

Interpretation Methodology of Ibn Mas'ud's Narratives in *Tafsir Ibn Kathir*

**Hamid Reza Fahimi Tabar¹ Khadijeh Zeinivand Nejad²
Mohadesch Hematian Najafabadi³**

Received: 31/12/2022

Accepted: 16/01/2024



Abstract

Examining the principles and rules of interpretation and the methodology of interpreters' interpretations is one of the approaches that has attracted the attention of Qur'an scholars. However, the methodology of the first interpreters of the Holy Qur'an has been less considered by Qur'an scholars. Since the narratives of the first interpreters of the Holy Qur'an are the foundation of the narrative interpretations of the Holy Qur'an, accuracy in the methodology of their narratives is a necessary. *Tafsir Ibn Kathir Dameshghi* is one of the great interpretations of the Sunnis which contains many narratives of the companions of the Holy Prophet. According to a rough study on Ibn Mas'ud's name in this interpretation, his name is repeated nearly 1600 times, and almost half of this repetition is dedicated to his interpretation narratives. Analyzing the interpretation

1. Associate Professor, Qur'an and Hadith Sciences, Kashan University, Kashan. Iran.

fahimitabar@kashanu.ac.ir.

2. PhD student, Qur'an and Hadith Sciences, Kashan University, Kashan. Iran. (Corresponding author) zeinivand.khadije@yahoo.com.

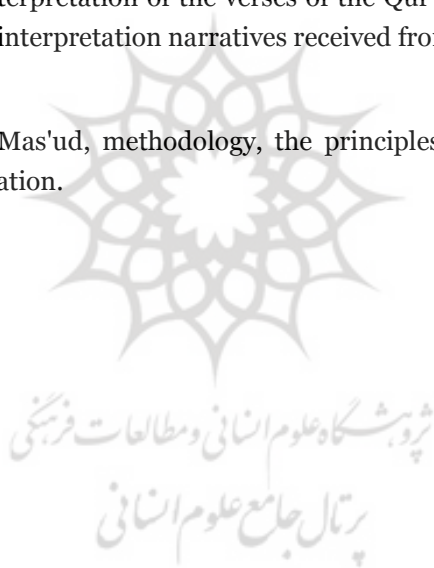
3. PhD student, Qur'an and Hadith Sciences, Islamic Azad University of Najafabad, Najafabad. Iran.
mh.hematian@yahoo.com.

* Fahimi Tabar H. R., Zeinivand Nejad, Kh., & Hematian Najafabadi, M. (1402 AP). Interpretation Methodology of Ibn Mas'ud's Narratives in *Tafsir Ibn Kathir*. *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 5(16), pp. 41-71. <https://doi.org/10.22081/JQSS.2024.65607.1243>.

narratives of this great companion of the Holy Prophet, as the founder of the Kufa school of interpretation, in the interpretation of Ibn Kathir, can show method and approach of Ibn Mas'ud in interpretation. Considering and analyzing Ibn Mas'ud's narratives in a descriptive-analytical method shows that the method of this interpreter is a comprehensive interpretation method that includes many aspects of the methods. He is like a lexical interpreter with a literary approach, a famous jurist with a jurisprudential approach, a historian familiar with history and its events, a scholar familiar with Quranic sciences as the later type of scientific method of interpreting the Holy Qur'an, a rationalist interpreter with a rational approach, and finally as an interpreter from the Ahl al-Bayt school, familiar with the general spirit of the verses of the Holy Qur'an, deals with the interpretation of the verses of the Qur'an in the shadow of other verses and interpretation narratives received from the Holy Prophet.

Keywords

Ibn Kathir, Ibn Mas'ud, methodology, the principles of the interpreter, rules of interpretation.



منهجية روايات ابن مسعود التفسيرية في تفسير ابن كثير

حميد رضا فهمي تبار^١ خديجة زيني وند نجاد^٢

محدثة همتيان نجف آبادي^٣

تاريخ القبول: ٢٠٢٤/٠١/١٦

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٢/١٢/٣١

الملخص

إن دراسة أصول التفسير وقواعده ومنهجية تفسير المفسرين من الاتجاهات التي أخذها علماء القرآن بعين الاعتبار. ومع ذلك، فإن «منهج المفسرين الأوائل للقرآن الكريم» لم يحظ باهتمام كبير من قبل علماء القرآن. وبما أن روايات المفسرين الأوائل للقرآن الكريم هي أساس التفاسير الروائية للقرآن الكريم، فإن الدقة في منهجية رواياتهم أمر لا بد منه. ومن هذا المنطلق، يعد كتاب «تفسير ابن كثير الدمشقي» من التفاسير الكبرى عند أهل السنة، وفيه روايات كثيرة من أصحاب النبي الكريم ﷺ. وباحصاء تقريبي لاسم ابن مسعود في هذا التفسير، يمكن القول أن اسمه ظهر في هذا الكتاب ما يقرب من ١٦٠٠ مرة، وحوالي نصف هذه التكرارات مخصصة لرواياته التفسيرية. ويمكن من خلال تحليل الروايات التفسيرية لهذا الصحابي جليل القدر، في تفسير ابن كثير، باعتباره مؤسس مدرسة التفسير الكوفية، أن نتوصل إلى منهجه التفسيري واتجاهه. ويظهر من احصاء روايات ابن مسعود التفسيرية وتحليلها بطريقة وصفية

١. أستاذ مشارك في علوم القرآن والحديث، جامعة كاشان، كاشان. إيران. fahimitabar@kashanu.ac.ir

٢. طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث، جامعة كاشان، كاشان. إيران (الكاتب المسئول) zeinivad.khadije@yahoo.com

٣. طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث، جامعة آزاد الإسلامية في نجف آباد، نجف آباد. إيران. hematian@yahoo.com

* فهمي تبار حميد رضا؛ زيني وند نجاد، خديجة؛ همتيان نجف آبادي، محدثة. (٢٠٢٣م). منهجية روايات ابن مسعود التفسيرية في تفسير ابن كثير. الفصلية العلمية الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٥(١٦)، صص ٤١-٧١. <https://Doi.org/10.22081/JQSS.2024.65607.1243>



تحليلية، أن منهج هذا المفسر هو منهج شامل في التفسير، ويتضمن أنواعا كثيرة من المناهج والإتجاهات التفسيرية. فهو كمفسر معجمي ذو منهج أدبي، وكفقيه مشهور ذو منهج فقهي، ومؤرخ مطلع على التاريخ وأحداثه، كعالم ملم بعلوم القرآن كأسلوب علمي متأخر في تفسير القرآن الكريم، ومفسر عقلاني ذو منهج عقلاني وأخيرا كمفسر من مدرسة أهل البيت، وذو معرفة بالروح العامة للآيات للقرآن الكريم، قام بتفسير آيات القرآن في ظل الآيات الأخرى والتفسير الأحاديث الواردة عن النبي الكريم ﷺ.

المفردات المفتاحية

ابن كثير، ابن مسعود، المنهجية، مبادئ المفسر، قواعد التفسير.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روش‌شناسی تفسیری روایات ابن مسعود در تفسیر ابن کثیر

حمیدرضا فهیمی تبار^۱

خدیجه زینی‌وندنژاد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰



چکیده

بررسی مبانی و قواعد تفسیری و روش‌شناسی تفاسیر مفسران از رویکردهایی است که مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. با این وجود روش‌شناسی نخستین مفسران قرآن کریم، کمتر مورد عنایت قرآن‌پژوهان بوده است. از آنجاکه روایات نخستین مفسران قرآن کریم پایه‌ساز تفاسیر روایی قرآن کریم است، دقت در روش‌شناسی روایات آنها امری بایسته است. تفسیر ابن کثیر دمشقی از تفاسیر سترگ اهل سنت حاوی روایات بسیاری از صحابه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. با استقصای تقریبی از نام ابن مسعود در این تفسیر تکرار نام او در این تفسیر قریب به ۱۶۰۰ مرتبه است که تقریباً نیمی از این تکرار به روایات تفسیری وی اختصاص دارد. واکاوی روایات تفسیری این صحابه جلیل‌القدر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به‌عنوان بنیان‌گذار مدرسه تفسیری کوفه در تفسیر ابن کثیر می‌تواند روش و رویکرد تفسیری ابن مسعود را نشان دهد. برشمردن و تحلیل روایات ابن مسعود به روش توصیفی - تحلیلی چنین بیان می‌نماید که روش این مفسر، جامعی از روش‌های تفسیری است که انجا متعددی از روش‌ها را دربردارد. او به‌سان یک مفسر لغوی با رویکرد ادبی، فقهی سرشناس با رویکرد فقهی، مورخی آشنا به تاریخ و حوادث آن، عالمی

۴۰
مطالعات قرآنی

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۱۶)

۱. دانشیار، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. fahimitabar@kashanu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول). zeinivand.khadije@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران. mh.hematian@yahoo.com

* فهیمی تبار حمیدرضا؛ زینی‌وندنژاد، خدیجه و همتیان نجف‌آبادی، محدثه. (۱۴۰۲). روش‌شناسی تفسیری روایات ابن مسعود در تفسیر ابن کثیر. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۵(۱۶)، صص ۴۱-۷۱.
<https://Doi.org/10.22081/JQSS.2024.65607.1243>

آشنا به علوم قرآنی به‌عنوان نوع متأخر روش علمی تفسیر قرآن کریم، مفسری عقل‌گرا با رویکردی عقلی و درنهایت همچون مفسری از مدرسه اهل‌بیت علیهم‌السلام، آشنا به روح کلی آیات قرآن کریم به تفسیر آیات قرآن در سایه آیات دیگر و روایات تفسیری رسیده از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرداخته است.

کلیدواژه‌ها

ابن کثیر، ابن مسعود، روش‌شناسی، مبانی مفسر، قواعد تفسیری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و طرح مسأله

پژوهش در روش‌شناسی روایات صحابه از جمله موضوعات نوینی است که اخیراً مورد توجه قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. تنوع مبانی فکری مفسران طبقات مختلف، مبتنی بر فرقه‌ها و نحله‌های گوناگون، منجر به شکل‌گیری اسلوب و روش‌های متنوع فهم قرآن گردیده تا جایی که اعتبارسنجی تفاسیر و استنباط‌های مدون در آنها مستلزم انطباق دیدگاه مفسران با قواعد حاضر در علم روش‌شناسی شده است.

در این میان ابن مسعود - صحابی پیامبر ﷺ - از پرچمداران مفسر قرآن و از معلمان و مبلغان قرآنی است که مدرسه تفسیری کوفه را بنیان نهاد. وی در موضوعات بسیاری اعم از صلوات، زهد و اخلاق، تفسیر، تاریخ و معرفة الصحابه نظر داده است و روایات وی مورد توجه بسیاری از مفسران و کتب تفسیری به‌ویژه تفاسیری که با صبغه روایی نگاشته شده، قرار گرفته است. تفسیر روایی ابن‌کثیر نیز با بیش از ۱۶۰۰ بسامد تکرار نام ابن مسعود از روایات وی برداشت کرده است. ابن‌کثیر در تفسیر برخی آیات پس از استناد به روایات ابن‌عباس به روایات ابن‌مسعود استناد می‌کند؛ از این رو نگارندگان این مقاله را بر آن داشت که در پی شمردن روایات ابن‌مسعود در تفسیر ابن‌کثیر به‌عنوان یکی از تفاسیر سترگ قرآن کریم و روش‌شناسی روایات وی به‌عنوان طرحی برای پژوهیان وادی تفسیر روایی قرآن کریم، برای دستیابی به روش‌شناسی تفسیر صحابه به‌ویژه ابن‌مسعود پس از ابن‌عباس باشد.

در مورد ابن‌مسعود، مقالات پژوهشی نظیر: «رویکرد ادبی - معنایی به قرائات خلاف رسم مصحف در متون قرن سوم مطالعه موردی قرائت ابن‌مسعود در معانی القرآن فراء» (شاه‌پسند، ۱۳۹۷)؛ «اندیشه اخلاقی ابن‌مسعود» (خانی، ۱۳۹۳) و «کارکرد قرائت عبدالله ابن‌مسعود در تبیین آیات الاحکام» (نجفی، ۱۳۹۵) نگاشته شده است؛ اما در باب پیشینه این نوشتار یعنی بررسی روش‌شناسی روایات ابن‌مسعود در تفسیر ابن‌مسعود، تاکنون مقاله یا پژوهشی به رشته تحریر در نیامده و این نوشتار در پی آغازی در باب روش‌شناسی روایات ابن‌مسعود به‌عنوان یکی از صحابیانی که در تفاسیر اثری بسیار از او یاد شده است، می‌باشد.

ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. معرفی تفسیر ابن کثیر و ویژگی‌های آن

عمادالدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (۷۷۴ق) مشهور به ابن کثیر، مفسری نقال، محدثی فقیه و فقیهی با ذکاوت و مولف یکی از مهم‌ترین تفاسیر مأثور اهل سنت با عنوان «تفسیر القرآن العظیم» است (ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۴). صراحت ایشان در تبیین سبک روش‌شناسی تفسیری‌شان، سبک تازه‌ای فراروی مفسران قرار داده است، اما کمتر مفسری از آن استفاده کرده است. در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «اگر با روش تفسیر آیات با آیات عاجز شدی برای تفسیر آیات به سنت مراجعه کن، که سنت شارح قرآن است و اگر باز هم عاجز شدی به اقوال صحابه مراجعه کن، چون آنان در جو نزول آیات بوده‌اند و از قرائن و چگونگی‌های عرضه آیات آگاهند» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹). از دیگر ویژگی‌های روش تفسیری ایشان می‌توان به حجیت ظاهر آیات، پرداختن به قرائت و عربیت آیه، بیان آراء علما، زدودن شبهات و برگزیدن رای ارجح (ابن خلدون، ۱۳۹۱، صص ۴۳۹-۴۴۰)، روی برتافتن از اسرائیلیات (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴)، استفاده همزمان از اسباب نزول برای تبیین احکام فقهی آیه (الارناؤوط، ۱۴۲۱ق)، توجه به مباحث کلامی در سطح سلفیه (ایماندار و ملازاده، ۱۳۹۷) و سادگی عبارات (الصالح، ۲۰۰۰م، ص ۲۹۱) و نیز به‌عنوان محدثی با استعداد (الزرقانی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۷۷) اشاره کرد.

۲-۱. شخصیت‌شناسی ابن مسعود

عبدالله ملقب به ابن مسعود در قبیله هذیل در مکه به دنیا آمد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، صص ۹۸۷-۹۸۸؛ شاهین، ۲۰۰۷م، ص ۱۷۰). قبیله هذیل، از قبائلی است که در میان اعراب صدر اسلام علاوه بر برخورداری از لهجه‌های متنوع (بحیرایی، ۱۳۸۸، صص ۴۴-۴۵) از فصاحت نامبردار بوده و حکایت تاریخی عثمان در جمع‌آوری قرآن به املاء‌کننده از این قبیله مشهور است (حمد، ۱۳۷۶، ص ۱۹۷).

قرار گرفتن در طبقه اول صحابی پیامبر ﷺ - در کنار بزرگانی همچون عبدالله بن

عباس، ابی بن کعب و جابر بن عبد الله و ابوسعید خدری و عبدالله بن زبیر و عبدالله بن عمر و انس (ملکیان، ۱۳۸۸، ص ۲۳۸) - و بهره‌مندی ایشان از دانش و حکمت‌های ناب نبوی بالاخص در مواقع وجود اختلافات تفسیری از ممیزه‌های ایشان در ارایه تفسیری متقن است (علوی‌مهر، ۱۳۸۱، ص ۶۰).

با گسترش فتوحات اسلامی در زمان خلفا، عراق به تدریج از مراکز مهم مسلمانان شد و ابن مسعود بنا به دستور عمر به کوفه هجرت کرد و افزون‌بر تشکیل مدرسه تفسیری (طاهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹) با شاخصه‌هایی نظیر مجاهد (ابن‌هشام، ۱۹۵۵م، ج ۱، ص ۶۳۵)، قاری (ابن‌اسحاق، ۱۹۷۸م، ص ۱۸۶؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۲۱۲، ابونعیم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۱۲۴)، فردی آگاه به مفاهیم قرآن و اسباب نزول (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۹؛ القشیری النیشابوری، ۱۳۲۹ق، ج ۴، ص ۱۹۱۳؛ سجستانی، ۱۳۵۵ق، ص ۱۴)، عامل به قرآن، کاتب (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، صص ۱۹ - ۲۰ و ۲۶۹) و مجتهد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۱۵) به تبلیغ دین پرداخت و محافل تفسیری را گسترش داد (مروتی، ۱۳۸۱، ص ۷۳). نیز نام ایشان در شمار افرادی است که در زمان پیامبر، فتوی صادر نموده‌اند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۶۲). از برجسته‌ترین شاگردان ایشان می‌توان به مسروق بن الابدع همدانی و اسود بن یزید و علقمة بن قیس نخعی اشاره کرد (شهیدی صالحی، ۱۳۸۱، ص ۱۴).

وی همچنین به‌عنوان معلم قرآن به آموزش مستحباتی نظیر نماز عید (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۴۱۷)، ذکری در تشهد پرداخته است (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۵۹) و ابداعاتی دارد، همچون افزودن ذکر آمین بعد از حمد (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۸) و عدم کتابت سوره حمد در قرآن (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰).

سال تولد ابن مسعود در کتاب‌های تراجم ذکر نشده است؛ اما سال وفات وی را سال ۳۲ق در مدینه گزارش کرده‌اند و در نهایت در بقیع مدفون شد (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۹۹۴).

۲. روش‌شناسی روایات تفسیری ابن مسعود در تفسیر ابن کثیر

روش‌شناسی روایات تفسیری از مهم‌ترین مباحث در حوزه روش تفسیر (علوی‌مهر، ۱۳۸۱،

ص ۲۶) و مبتنی بر روایاتی تفسیری است که پس از آسیب‌شناسی آن‌ها می‌توان به گونه‌ای هدفمند به روش‌های صحیح فهم و تفسیر آیات دست یافت (رستمی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷).
از جمله روایات تفسیری در این حیطه، روایات تفسیری ابن مسعود است که در کتاب تفسیر ابن کثیر در ذیل تفسیر برخی آیات یافت می‌شود.

بسامد تکرار نام ابن مسعود در تفسیر ابن کثیر نزدیک به ۱۶۰۰ مورد است که از این تعداد نزدیک به ۷۰۰ روایت از وی در این تفسیر ذکر شده است. با واکاوی و بررسی تک‌تک این روایات، روایاتی که برای این نگاشته قابل برداشت بود، نزدیک به ۲۵۰ روایت است، که از هر کدام براساس مبانی تفسیری ابن مسعود به شرح ذیل و به پیروی آن قواعد قابل استنباط از آن مبانی، مواردی انتخاب گردید که شرح آن به تناسب عناوین این مقاله خواهد آمد.

۱-۲. مبانی و پیش‌فرض‌های تفسیری ابن مسعود

شرایط منحصر به فرد بهره‌مندی از محضر پیامبر و جو معنوی حاکم بر عصر نبوی، ممیزه اصلی سبک روش‌شناسی ابن مسعود است که شکل‌گیری مبانی و اعتقادات فکری نابی را برای ایشان به منصفه ظهور رساند.

جمع‌آوری روایات تفسیری ایشان در کتاب تفسیر ابن کثیر پیش‌فرض‌های اعتقاد به جهانی بودن آیات، توجه به حجیت الفاظ و عبارات قرآن کریم، حجیت استقلالی قرآن در تفسیر آیات، فهم‌پذیری آیات، حجیت قول و بیان صحابه در تفسیر، جاودانگی قرآن کریم، اعتقاد به حجیت سنت پیامبر در تفسیر آیات، حجیت ظواهر آیات قرآن، توجه به قرائن نزول قرآن کریم (مبانی دلالی) و حجیت عقل را از ابن مسعود ارائه می‌دهد که وی را به برداشت از روش‌های تفسیری عقلی، روایی و قرآنی به قرآن ملزم می‌کند؛ که به ترتیب به تشریح آن پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۲. حجیت عقل و اجتهاد خردمندانه

استفاده از رسول باطنی یا عقل یکی از مهم‌ترین روش‌های تفسیری است که روایات

و آیات قرآن در اهمیت استفاده از آن تأکید فراوان داشته‌اند «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» (بقره، ۱۱۱) در همین راستا، آیت الله معرفت، از دو مدرسه مکه «ابن عباس» و مدرسه کوفه «ابن مسعود» به‌عنوان پیش‌گامان روش تفسیری عقلانی مبتنی بر اجتهاد نام می‌برد (معرفت، ج ۱، ص ۲۸۸) و در تعریف استفاده از این روش می‌افزاید: «آنان در مسائل قرآنی که به معانی صفات، اسرار خلقت، احوال پیامبران و مثل آن‌ها بازمی‌گشت، اعمال نظر می‌کردند و آن‌ها را بر عقل عرضه می‌کردند و برطبق حکم عقل رشید حکایت می‌کردند و چه بسا آن‌ها را به آنچه موافق فطرت سالم است، تأویل می‌کردند» (معرفت، ج ۱، ص ۳۰۸).

کارکرد عقل در تفسیر آیات قرآن شامل کارکرد منبعی و مصباحی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۴۶). عقل مصباحی تنها به جمع‌بندی شواهد داخلی و خارجی می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۷) و عقل منبعی مربوط به استنباط برخی مبادی تصویری و تصدیقی عقل است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۶۹). کارکرد عقل منبعی به‌عنوان نیرویی که برای فهم آیات با استفاده از براهین عقلی، شواهد جمع آیات باهم، استنباط‌های فقهی، فهم آیات بدون روایت می‌باشد (مؤدب، ۱۳۸۶، ص ۲۳۵). در عقل منبعی که بارها در روایات رسیده از ابن مسعود در تفسیر ابن کثیر مشاهده می‌شود، شاهد مثال‌های ذیل را می‌توان دید:

الف) بهره‌گیری از ابزار تصویرسازی عینی

مفسر با به تصویر کشاندن صحنه بیهوش شدن ربیع بن خثیم در حین یادآوری آیه «إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَ زَفِيرًا فَصَعِقَ» (فرقان، ۱۲) چون آتش دوزخ آنان را از مکانی دور ببیند خروش و فریاد وحشتناک دوزخ را از دور به گوش خود می‌شنوند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۸۸) از ابزار تصویرسازی عینی در مسیر تعقل بهره می‌گیرد.

ب) بهره‌گیری از بدیهیات و مقدمات عقلی

مفسر، طبق آیه «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً»

لِتَبْتَغُوا فَضْلًا رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ» (اسراء، ۱۲) مخاطب را به تفکر و تبیین بدیهیات در سایه عقل در خصوص گذر ایام، روز و شب، بلندی و کوتاهی آن‌ها و زمستان و تابستان در مسیر مکرر طلوع و غروب خورشید و ماهی که نور واحدی بیش نیستند وامی دارد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۵۱۴).

ج) استدلال و اجتهاد فقهی

و فور آگاهی ابن مسعود نسبت به احکام شرعی، وی را از پایه گذاران مکتب فقهی کوفه قرار داده بود (ابن حزم، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۰). از نمونه‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد: استحباب در گفتن آمین بعد از سوره حمد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۳)، حکم گردن زدن مسیلمه کذاب طوق آیه ۶ سوره توبه «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ ... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۰۰)، حکم حلال بودن غنایم در ذیل آیه ۶۹ سوره انفال «فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۸۰)، تخییر بیمار یا مسافر در بیماری و سفر برای فریضه روزه متناسب با طاقتشان برگرفته از آیه ۱۸۴ سوره بقره «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۶۵).

د) استدلال و اجتهادات تفسیری

از جمله استدلال‌ها و اجتهادات تفسیری ابن مسعود موارد ذیل است:

۱. تفسیر اجتهادی از کل آیه: اجتهاد در تفسیر در این مطلع اعم از اجتهاد مصطلح در فقه است. اجتهاد در تفسیر، تلاش برای فهم و تبیین معانی و مقاصد آیات براساس شواهد و قرائن معتبر است (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۰۸)، که در برخی روایات منقول از ابن مسعود در تفسیر ابن کثیر، اجتهاد ابن مسعود در فهم آیات قرآن را نمایانگر شده است: برای نمونه ابن مسعود مطابق با آیات ۱ تا ۳ سوره قدر، شب قدر را یکی از شب‌های ماه رمضان معرفی می‌کند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۴۲۹). یا با استناد به آیه ۵ سوره بینه «وَيَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ» یکی از شرایط قبولی نماز را پرداخت زکات عنوان

می‌کند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۹۸) یا در جای دیگر بنا بر آیه ۱۵۷ سوره اعراف «يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ» پیامبر را عامل برتر می‌داند و امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان دو خصلت جدایی‌ناپذیر از پیامبر برمی‌شمرد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۳۸).^۱

۲. تفسیر اجتهادی از واژه‌ای در آیه: تبیین مفاهیم و واژه‌ها در آیات مبتنی بر اجتهاد از دیگر مزایای تفسیری مفسر می‌باشد؛ برای نمونه مفسر در روند تفسیر روایی، از واژه «سائحون» در آیه ۱۱۲ سوره توبه «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ»، به معنای روزه‌داران (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۹۱)، از مفهوم «اعراف» در آیه ۴۶ سوره اعراف «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ» به معنای فردی با اعمال نیک و بد یکسان (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۷۶) و از مفهوم «جدال» در آیه ۱۹۷ سوره بقره «وَلَا جِدَالَ فِي الْحُجِّ» به معنای مجادله تا مرحله عصبانیت (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۰۶) نام می‌برد.

هد) مصداق‌یابی از آیات

در مصداق‌یابی ابن مسعود از آیات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مفسر مصداق بشارت در آیه ۶۴ سوره یونس «لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» را همان بشارتی می‌داند که به واسطه رویای صالحه دریافت می‌شود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۴۵). در آیه ۴۷ سوره حجر «إِخْوَانًا عَلَى شُرُورٍ مُتْقَابِلِينَ» مصداق اخوان را أبو بکر و عمر و عثمان و علی و طلحة، و زبیر و عبدالرحمن بن عوف، و سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید و عبدالله بن مسعود می‌داند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۴۶۳) و مصداق آیه ۸ سوره نجم «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى» را جبریل معرفی می‌کند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶).

۱. لازم به ذکر است که تفسیر اجتهادی، گاهی به تبیین دلالت الفاظ بر معنا، گاهی به مفهوم خاص از یک لفظ عام و گاهی ابهام موجود در آیه یا آیاتی یا در خود کلمه‌ای از آیه می‌پردازد (ایزدی مبارک، ۱۳۷۶، ص ۳۶۳).

و) جاودانگی و تحدی طلبی

استناد به جاودانگی قرآن کریم «و قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُم» (عنکبوت، ۴۶) (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۲۵۷) و تحدی طلبی «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ» (بقره، ۲۳) (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۰۸) از دیگر نمونه‌های استفاده از حجیت عقلانی است.

استفاده از موارد فوق، جایگاه حجیت عقل در روایات تفسیری را به وضوح نشان می‌دهد.

۲-۱-۲. تفسیر قرآن به قرآن

منبع اولیه مفسران برای فهم آیات، خود آیات قرآن می‌باشد. مفسر در این روش در تلاش است تا از طریق کشف پیوند معنایی آیات، به اجرای ارزشمندترین فعالیت تفسیری مبادرت ورزد. از چیزهایی که مفسر در راستای کشف پیوند معنایی آیات باید به آن معتقد باشد و از مبانی تفسیر قرآن به قرآن می‌باشد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۲-۱-۲. حجیت استقلالی قرآن در تفسیر آیات

اولین مبنا در تفسیر قرآن به قرآن حجیت استقلالی قرآن است؛ به این معنا که هرچه معصوم در تفسیر آیات می‌فرماید تأییدی بر همان مفاهیمی است که قرآن آن را بیان کرده است. از نمونه‌های رایج در تفسیر ابن مسعود می‌توان موارد زیر را برشمرد:

الف) قابلیت تفسیر آیات در سایه آیات دیگر

تفسیر آیات در سایه آیات دیگر، گاهی بدون اشاره به آیات دیگر است که از آشنایی ابن مسعود به روح کلی آیات قرآن خبر می‌دهد، مانند تفسیر بهشت (جنة) در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس که ورود به بهشت را آن‌سان دانسته است که شخص از بیماری‌ها و مصایب دنیا رها شده باشد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۵۰۷). گو اینکه

وی خواسته این ورود را مصداقی از قلب سلیم (شعراء، ۸۹) بداند که شرط ورود به بهشت است. نیز در آیه ۷۸ سوره انبیا «وَدَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَ كُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ» و ماجرای فتاوی متفاوت حضرت داوود و حضرت سلیمان در ضرری که گوسفندان بر باغ کشاورزی وارد کردند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۱۲). و گاهی نیز با اشاره مستقیم به آیات دیگر به تفسیر قرآن به قرآن دست یازیده است، مانند تفسیر مومنان اهل کتاب در آیه ۱۹۹ آل عمران «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ» با آیه ۵۲-۵۴ قصص «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ... وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»: (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۸۱) اشاره کرد. یا در تفسیر آیه ۱۱ سوره غافر «قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا» از آیه ۲۸ سوره بقره «وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ... وَ كُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ» بهره برده است و مفهوم آن را به خلقت از خاک، حیات، مرگ، حیات دوباره بیان شده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۲۰).

ب) قابلیت تفسیر عبارت در سایه آیات دیگر

از نمونه‌های تفسیری در این مبحث می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
تفسیر کلمه «نادی» در سایه آیه ۸۷ سوره انبیا «فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا» شُجْحَانُكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» با بیان این مطلب که حضرت یونس بعد از بلعیده شدن توسط نهنگ به اعماق دریا رفت و در آنجا صداهای بی‌شماری از ذکر موجودات دریایی را شنید و از کرده خود پشیمان شد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۲۲) نیز در عبارت «وَ مِرَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ» (مطفین، ۲۷) منظور از تسنیم بهترین شرابی است که طبق آیه ۲۸ سوره مطفین «عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ»، مقربان و اصحاب یمین از آن می‌نوشند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۵۰).

ج) قابلیت تفسیر موضوعی در سایه آیات دیگر

ابن مسعود را می‌توان از مبدعین تفسیر موضوعی نیز برشمرد. به‌عنوان نمونه وی به کاربرد وسیع لفظ نماز در آیات متعدد قرآن اشاره می‌کند: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ

سَاهُونَ» (ماعون، ۵)، «و عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (معارج، ۲۳)، «و عَلَى صَلَاتِهِمْ يَحَافِظُونَ» (انعام، ۹۲) یعنی مراقبت از خواندن آن در اول وقت (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۱۶).

۲-۲-۱-۲. حجیت ظواهر آیات قرآن

در اصطلاح علوم قرآنی مبنا قراردادن معنای ظاهری قرآن را حجیت ظواهر قرآن می‌گویند، براساس این قاعده ما می‌توانیم در موارد مختلف به معنای ظاهری قرآن تکیه کرده و ملاک عمل خود قرار دهیم و حتی در گفتار و دیدگاه‌های خود آنها را مدنظر قرار دهیم (خوئی، ۱۳۷۵، ص ۸۷). از مهم‌ترین قواعد این مبنا می‌توان به بیان معنای آیه با استناد به آیات قرآن کریم، شمول آیات بر مفهوم عام آنها و ذوجوه بودن معانی آیات (ظاهر و باطن داشتن آیات) اشاره کرد.

۲-۲-۳. بیان مراد از آیه در سایه شواهدی از آیات

ابن مسعود در تفسیر خود گاه از آیات دیگر مدد می‌گیرد. به‌عنوان مثال در تفسیر آیه «هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (بلد، ۱۰) از آیه «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح، ۵-۶) بدین ترتیب بهره‌جسته است که مصادیق نجدین، خیر و شر می‌باشد و عسر بر سنگی اطلاق می‌شود که می‌آید و یسر به زمانی اطلاق می‌شود که می‌رود که به‌نظر می‌رسد آن سنگ‌ها را معادل خیر و شر به حساب آورده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۹۳).

در فضایی دیگر برای به‌تصویر کشاندن هوای بهشت آن را سجسج یعنی هوایی بین طلوع فجر تا طلوع خورشید می‌داند و از آیاتی نظیر «وَأَنْذَرْنَاهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا» (نساء، ۵۴) و نیز «أَكْلُهَا دَائِمٌ وَ ظِلُّهَا» (رعد، ۳۵) و در خصوص آب‌های آن از آیات «وَمَاءٌ مَسْكُوبٌ وَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ» (محمد، ۱۵) بهره می‌گیرد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۱۸). همچنین با بهره‌گیری از آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مؤمنون، ۱-۲) در تفسیر آیه «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (معارج، ۲۳)، مواظبت بر اوقات نماز و ودوام خشوع در آن را متذکر می‌شود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۴۱).

در تفسیر قرآن به قرآن، مفسر در پی تبیین یک آیه یا آیاتی چند در سایه آیه یا آیاتی دیگر است؛ که مستند مفسر ظاهر آیات هم معنا و هم مفهوم باهم است. این بخش قرابت با تفسیر قرآن با قرآن دارد؛ اما در این مدخل، این عنوان تکرار گردیده است تا شاهدی بر استناد ابن مسعود به ظواهر قرآن به عنوان یکی از مبانی وی و قاعده منتج از آن باشد.

۲-۲-۳. شمول آیات بر مفهوم عام آنها

شمول فرآیند خلقت آدمی در آیات «خَلَقَكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ» (زمر، ۶) و نام گذاری آن از علقه تا دمیدن روح در آیه «... ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا...» (مؤمنون، ۱۲-۱۴) از مصادیق بارز این قاعده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۷۳)؛ همچنین ابن مسعود با چینش هدفمند آیاتی نظیر «وَفَاكِهَةً كَثِيرَةً لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ» (واقع، ۳۳-۳۴) «وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أُظُوفُهَا تَدْلِيلًا» (انسان، ۱۴) «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَوُدَّخِلُهُمْ ظِلَالًا ظَلِيلًا» (نساء، ۵۷) به صراحت به تبیین شمول نعمت بر مفاهیم عام آیات بهشتی می پردازد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۴۰۱).

۲-۲-۳. ذوووجه بودن معانی آیات (ظاهر و باطن داشتن آیات)

در تبیین مراد از عبارت «ما من آیه الا ولها ظهر و بطن» با این روایت از امام باقر علیه السلام روبرو می شویم که «باطن قرآن، تاویل آن است که برخی از آن گذشته و برخی از آن هنوز تحقق نیافته است» (صفار، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۳).

ابن مسعود در ذیل آیه «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا» (مائده، ۱۲) با استناد به روایت پیامبر به تبیین معنای باطنی آیه پرداخته است؛ معنایی دال بر عدد امامانی که از قبیله قریش برای هدایت امت برخوانند خاست (ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۹). از فواید ذوووجه بودن معانی آیات می توان به تبیین حکم اخلاقی آن اشاره کرد؛

به‌عنوان نمونه طبق روایتی از پیامبر ﷺ در آیه «إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا ...» (مجادله، ۱۰) به همنشینی و سخن گفتن نیکو و به دست آوردن دل‌ها امر کرده و از آنچه مسلمان را آزرده خاطر می‌کند بر حذر می‌دارد. به‌عنوان مثال در جمع سه نفره، دو نفر نباید با هم در گوشه‌ی صحبت کنند، زیرا این کار، شخص سوم را نگران و ناراحت می‌کند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۷۵).

۲-۳. روش تفسیری آیات با استناد به سنت پیامبر (قول، فعل و بیان پیامبر)

اهتمام به سنت پیامبر اعم از گفتار و رفتار و بیان بیشترین حجم منقولات ابن مسعود در تفسیر ابن کثیر را به خود اختصاص داده است تا جایی که می‌توان آن را مهم‌ترین مبنا و پیش‌فرض‌های ذهنی ابن مسعود با عنوان اعتقاد به حجیت سنت پیامبر ﷺ در تفسیر آیات برشمرد. از بارزترین قواعد اصلی این مبنا می‌توان به مواردی نظیر تبیین معنای آیه با استفاده از قول پیامبر، رفع ابهام آیه در قالب پرسش از پیامبر، تبیین معنای عبارتی از آیه با استناد به قول پیامبر ﷺ، تبیین معنای واژه‌ای از آیه، تبیین مصداقی از کلمات عام آیه، تبیین مصداقی از کلمات عام آیه، تبیین حکم فقهی و مباحث اخلاقی از آیات در سایه قول پیامبر، تبیین معنای آیه با استفاده از بیان پیامبر و تبیین معنای کلامی آیه با استفاده از قول پیامبر اشاره کرد.

۲-۳-۱. تبیین معنای آیه

استفاده از اقوال پیامبر در جای‌جای تفسیر ابن مسعود به چشم می‌خورد، به‌عنوان مثال در تفسیر آیه «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء، ۲۹) با موضوعیت اعتدال در انفاق به نقل روایت «مَا عَالَ مِنِ اقْتَصَادٍ؛ چقدر بلندمرتبه است کسی که میان‌رو باشد» از پیامبر می‌پردازد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۴) یا روایت نوید بخشش زن آوازه‌خوان در جاهلیت به فرزندانش در ذیل آیه «عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» (اسراء، ۷۹) (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۹۸) و روایت «يرد الناس كلهم ثم يصدرون عنها بأعمالهم» از پیامبر در تفسیر آیه «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا

وَارِدُهَا» (مریم، ۷۱) (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۲۳) درباره فرد ریاکار از شاهد مثال‌های بارز این نمونه می‌باشد.

انهدام ۳۶۰ بت پیرامون کعبه توسط پیامبر و بعد از ورود به مکه و تلاوت آیه «جَاءَ الْحَقُّ وَ رَهَقَ الْبَاطِلُ...» (اسراء، ۸۱) (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۰۳) و نیز اظهار سرور پیامبر بعد از شنیدن کلام مقداد خطاب به پیامبر که گفت: «ای پیامبر ما مثل قوم بنی اسرائیل نیستیم که به موسی گفتند تو به جنگ برو و ما اینجا می‌مانیم ما از تو محافظت می‌کنیم از تقاریر ارزشمند نبوی است» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۷۰).

۲-۳-۲. رفع ابهام آیه

سخنان پیامبر در قالب پرسش و پاسخ منتج به رفع شبهات موجود و شفاف‌سازی آیات برای صحابه می‌گردید، به‌عنوان مثال از پیامبر در خصوص شرح صدر در آیه «فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ» (انعام، ۱۲۵) سوال شد. ایشان فرمودند: نوری است که بر سینه‌ها تابیده می‌شود و نشانه آن «التجافی عن دار الغرور و الإنابة إلى دار الخلود، و الاستعداد للموت قبل أن ينزل الموت» است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۰۱). یا پس از قرائت آیه «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا... لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (انعام، ۱۵۱). در خصوص بهترین عمل از منظر رسول الله ﷺ سوال شد و ایشان به ترتیب نماز اول وقت، نیکی بر پدر و مادر و جهاد در راه خدا را نام بردند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۲۴). یا هنگام قرائت آیه «... جَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ...» (مائده، ۶۰). از پیامبر در خصوص مسخ میمون و خوک سوال شد و ایشان فرمودند: «إن الله لم يهلك قوما، أو لم يمسخ قوما فيجعل لهم نسلا ولا عقبا وإن القردة و الخنازير كانت قبل ذلك» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۳۰).

۳-۳-۳. تبیین معنابخشی از آیه

ابن مسعود گاهی در تبیین معنای قسمتی از آیه از روایات بهره می‌برد؛ مثلاً در آیه «احاطتْ بِهِ حَطَبَاتُهُ» (بقره، ۸۱) به نقل از پیامبر گناهان کوچک را زمینه‌ساز هلاک فرد

قلمداد می‌کند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۸). و یا بهترین عمل انسان را در آیات ۲۳ تا ۲۶ سوره اسراء، نماز اول وقت و نیکی به پدر و مادر و جهاد عنوان می‌کند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۹) و یا در جایی دیگر به تبیین شخصیت روح القدس در آیه «أَيُّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» (بقره، ۸۷) می‌پردازد و او را دمنده در نفوس می‌نامد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴).

۲-۳-۴. تبیین معنای واژه‌های از آیه

ابن مسعود در بیان معنای «غیب» در آیه «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره، ۳) طبق روایت نبوی، غیب را به هر آنچه که از بندگان از امور مربوط به بهشت و جهنم که در قرآن ذکر شده است معنا کرده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۷۶) نیز منظور از انامل در آیه «لَقَوْمٌ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَصَوْا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعِظِ» (آل عمران، ۱۱۹) همان اطراف انگشتان است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۹۴).

۲-۳-۵. تبیین مصداقی از کلمات عام آیه

از جمله روایاتی که به تبیین مصداقی از کلمات عام در آیه می‌پردازد می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

در آیه «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (بقره، ۲۷۵) مصداق ربا طبق روایت نبوی - که ابن مسعود نقل می‌کند - درهای جهنم برای رباخواران است که برای ربا هفتاد و سه در است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۴۹). و خداوند ربا دهنده و رباگیرنده و شاهدان ربا و نویسنده سند ربا را لعنت کرده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۵۰). نیز در آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...» (انفال، ۷۲) مصداقی برادران دینی شامل «المهاجرون و الأنصار، و الطلقاء من قریش و العتقاء من ثقیف بعضهم أولیاء بعض فی الدنيا و الآخرة» نیز می‌شود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۰۴).

۲-۳-۶. قاعده جری و تطبیق

جری در لغت به معنای حرکتی سریع (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۴) برای وزیدن باد و حرکت خورشید و روان شدن آب (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۷۴) و در اصطلاح به تطبیق آیه با مصادیق آن اطلاق می‌شود که بر مبنای آن، الفاظ قرآن بر اشخاص، اشیا و ملل بعد از خود جاری است (جوادی آملی، ج ۱، ص ۱۶۹).

ابن مسعود با تأکید تأکید بر روایتی از پیامبر ﷺ ذیل آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ...» (مائده، ۱۰۱) با اشاره بر «سلیم الصدربودن ایشان در برخورد با دیگران» به لزوم رعایت این سیره بر همگان تأکید می‌ورزد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۸۶) و نیز در آیه «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود، ۱۱۴) پاک‌شدن گناهان خاطی اصلی با اعمال نیک بر عموم افراد تعمیم داده شده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۰۶).

لازم به توضیح است که شمول آیات بر مفهوم عام آنها به نوعی زیرمجموعه جری و تطبیق است، منتها اینکه مفسر از روایات برای تفسیر آیه استفاده نمی‌کند، بلکه از قرائن دیگر غیر از روایات به تعیین مصادیق کلی یا جزئی آیات می‌پردازد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۹).

۲-۳-۷. تبیین حکم فقهی و مباحث اخلاقی از آیات

از اهم کاربردهای روایات می‌توان به استنباط احکام فقهی اشاره کرد، مثلاً در آیه «وَ الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَ آمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (اعراف، ۱۵۳) در روایت به بخشوده شدن زانی و زانیه و اذن ازدواج با یکدیگر اشاره شده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۲۹) نیز در آیه «وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» (بقره، ۱۸۷) به اشراف بلال بر مواقع اذان بالاخص در ماه رمضان و عدم ممانعت بلال از اذان سحرگاهی اشاره شده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۷۹) و در جای دیگر در آیه «وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ» (فصلت، ۳۳) ضمن اشاره به اهمیت اذان به زمانی اشاره می‌کند که گفتن اذان را جز قشر ضعیف جامعه برعهده نخواهد گرفت (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۱۶۵).

۲-۴. تفسیر آیات در سایه دانش قرآنی

در این روش تفسیری، مفسر می‌کوشد میان آیات قرآن و یافته‌های علمی ارتباطی بیابد و به شرح آن پردازد. منظور از علم، علوم تجربی است که به دو شاخه علوم طبیعی (همچون فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان‌شناسی) و علوم انسانی (همچون تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم قرآنی و...) تقسیم می‌شود (نفسی، ۱۳۹۲، ص ۱۶). ابن مسعود با برخورداری از مبنای فکری «مَنْ ارَادَ عِلْمَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ فَلْيَتَدَبَّرِ الْقُرْآنَ» (هر کس علم اولین و آخرین را بجوید، باید که در قرآن بیندیشد) به استخدام علوم ناسخ و منسوخ و ادبیات عرب، بلاغت، یافته‌های علمی آن روز و ... در فهم قرآن پرداخته است (ایازی، ۱۳۸۰، ص ۹۷).

۲-۴-۱. عینیت‌بخشی به مفاهیم آیات در سایه علوم مختلف

برای تفسیر قرآن کریم شرایط و مقدماتی علمی مورد نیاز است که اساس فهم و تفسیر قرآن محسوب می‌شوند، هرچند این شرایط و مقدمات ابزار اصلی عقل و فهم هستند، اما به جهت احتیاج مبرم به آنها برای فهم قرآن نقش مؤثری در تفسیر را دارا هستند، این علوم و مقدمات امکان فهم هرچه بهتر قرآن را فراهم می‌سازند (طاهری، ۱۳۷۷، ص ۲۰۶)، زیرا هدف تفسیر عینیت بخشیدن به مفاهیم قرآن در زندگی بشر است و در پرتو آنها زمینه اصلی هدف قرآن یعنی چنگ زدن انسان به مفاهیم قرآن کریم فراهم می‌شود (مهدوی‌راد، ۱۳۸۲، ص ۳۸۲). ابن مسعود نیز با استفاده از برخی از این علوم به منظور عینیت بخشیدن به مفاهیم قرآن کریم در تفسیر آیات دست زده است.

۲-۴-۱-۱. تبیین آیات براساس علم اسباب النزول

در برخی موارد، فهم آیات بدون فهم سبب نزول میسر نیست به شرط آنکه سبب نزول موجب رفع ابهام و فهم بهتر و با آیه سازگار باشد (مهدوی‌راد، ۱۳۸۲، ص ۶۷). ابن مسعود در شان نزول آیه «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ...» (اسراء، ۵۷) درباره اعرابی که از مسلمان شدن جن مشرکی بی‌اطلاع بود و او را همچنان

می‌پرستید حکایت می‌کند (ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۸۱)؛ همچنین؛ همچنین در ذیل آیه «وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ... لَا تُطِغْ مَنْ أَعْقَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبِعْ هَوَاهُ وَ كَانَ أَقْرَبُ فَوْطًا» (کهف، ۲۸) به بیان سبب نزول آیه درباره نهی خداوند از همراهی پیامبر با اشراف قریش می‌پردازد که مبادا به خاطر ثروتمندان، به طرد فقیران اطرافش همچون بلال و صهیب و خباب و ابن مسعود پردازد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۳۸). نیز در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ...» (مائده، ۸۷) به سبب نزول آن اشاره می‌کند که پیامبر صحابی خود را عثمان و ابن مسعود و مقدار از محرومیت‌های خود ساخته نهی و به پیروی از سنت مسلمانان امر فرموده است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۵۴).

۲-۴-۱. تبیین آیات براساس علم ناسخ و منسوخ

علم به ناسخ و منسوخ از جمله علوم است که فهم‌پذیری آیات را سهل‌الوصول‌تر می‌کند. به‌عنوان مثال در تفسیر آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۱۸۳) آمده است که روزه مسلمان‌ها همچون روزه زمان نوح سه روز در ماه بود تا آنکه روزه ماه رمضان آن را نسخ کرد (ابن کثیر، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۶۴).

۲-۴-۳. تبیین آیات براساس علم به مکی و مدنی

ابن مسعود با بیان این نکته که هنگام نزول سوره «وَالْمُرْسَلَاتِ» (مرسلات، ۱) در غاری در منی نزد پیامبر بود. این سخن ابن مسعود مفسران را به این نکته رهنمون می‌کند که این سوره مکی است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۰۲).

۲-۴-۴. تبیین آیات براساس علم نحو

ابن مسعود مرجع ضمیر در آیه «أَعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۳۱) را آتشی با هیزم‌هایی از جنس انسان و سنگ (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱۱) و مرجع ضمیر «هم» در آیه «ثُمَّ

عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ» (بقره، ۳۱) را خلق معرفی می‌کند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۳۲). ایشان از فواید «لن» در آیه «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا» (بقره، ۲۴) بیان خبری قطعی در آینده و بدون ترس را بیان می‌کند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۰۸). نیز در آیه «لِمَ تَلْسُونَهُ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ» (بقره، ۷۱) جمله «وتکتُمون الحق» را در نقش حال معرفی می‌کند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۵۱).

۲-۱-۴-۵. تبیین آیات براساس علم بلاغت

۲-۱-۴-۵-۱. تمثیل

از شیوه‌های رایج در محاورات عرفی و عقلایی، استفاده و استناد به مثل و تشبیه آوردن است که در زبان قرآن از آن به تمثیل یاد می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۴)، مانند تمثیل حق و باطل به «آب حیات بخش» و «کف ناپایدار» در آیه ۱۷ سوره رعد: «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» که در این مثل ظرفیت دل‌ها و فهم‌ها در گرفتن معارف و کمالات مختلف توصیف شده است. معارف همانند آب که متکی به یک رزق آسمانی است؛ اما در هر دلی به شکل و اندازه‌ای خاص درمی‌آید، همانند آب نیز از نظر کمی و زیادی به اشکالی درمی‌آید (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۳۲).

داستان‌های تمثیلی قرآنی که می‌توان از آن‌ها یاد کرد عبارتند از: تمثیلی برای حالات مختلف منافقان اعم از شک و تردید در آیات ۱۷ تا ۲۰ سوره بقره، «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْفَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» که میزان بهره‌مندی این گروه را به نخل از لحاظ بلندی تشبیه کرده و برخی دیگر به انسان ایستاده و برخی دیگر از لحاظ کوتاهی، که متغیر است. به نحوی که برای گروه سوم فقط نور به شست پای آنها می‌رسد و یکبار خاموش و مرتبه دیگر برافروخته می‌شود. یعنی حال این گروه به‌رغم تفاوت‌شان در اندازه و بهره‌مندی از نور؛ اما در

هرحال این نور گاهی به خاموشی می‌گراید و گاه به سوی برافروختگی می‌گراید. یا تمسخر گروه منافق آیات در استفاده خدا از مثال پشه در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره بقره (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱۵) و داستان تمثیل گونه برصیصای راهب در آیات ۱۶ و ۱۷ حشر از نمونه‌های تمثیل در قرآن است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۱۰۵) که از سوی ابن مسعود با گونه‌ای از تمثیل بیان شده است.

۲-۴-۱-۵-۲. کنایه

عبارت «يَكْشِفُ عَنْ سَاقٍ» در آیه «يَوْمَ يَكْشِفُ عَنْ سَاقٍ» (قلم، ۴۲) کنایه از امری عظیم است (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۱۶).

۳-۴-۱-۵-۳. تغلیب

در آیه «مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ» (بقره، ۱۳۳) واژه «اب» از باب تغلیب به کار رفته است، زیرا اسماعیل عموی او می‌شود و نحاس می‌گوید عرب به عمو نیز «اب» می‌گفت و ابن مسعود نیز می‌پذیرد (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۲۰). نیز واژه «اشهر» در آیه «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ» (بقره، ۱۹۷) شامل سه ماه شوال و ذی‌القعدة و ۱۰ روز از ذی‌الحجه و از باب تغلیب محسوب می‌شود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۰۳).

۲-۴-۱-۵-۴. تبیین آیات براساس علم قرائت

این مبحث شامل زیر شاخه‌های وجه اعرابی، تغییر کلمه، تغییر ضمیر، افزودن واژه‌ها به آیات می‌گردد؛ که در ذیل به بیان شاهد مثال‌هایی از هر یک می‌پردازیم.

۲-۴-۱-۵-۱. بیان وجه اعرابی الفاظ

نصب ارجلکم در آیه «أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَافِرِينَ» (مائده، ۶) به قرینه عطف به فعل «فَاعْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ» (مائده، ۶) (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۴۶)، تغییر اعراب «دَرَسَتْ» در آیه «وَلِيَقُولُوا دَرَسَتْ» (انعام، ۱۰۵) به نصب «س» و وقف «ت» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۸۱)، تغییر اعراب «قَوْلَ الْحَقِّ» در آیه «قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ» (مريم، ۳۴) به رفع

قول (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۰۴) و تغییر اعراب «لَتُرَكَّبَنَّ» در آیه «لَتُرَكَّبَنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ» (انشقاق، ۱۹) به فتح التاء و الباء (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۳۵۵) از نمونه‌های بارز آن در روایات تفسیری ابن مسعود می‌باشد.

۲-۴-۱-۵-۲. تغییر کلمه

تغییر کلمه «ایدیهما» به «ایمانهما» در آیه «و السارق و السارقة فاقطعوا أيديهما» (مانده، ۳۸) (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۷)، تبدیل آیه «فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا» (نساء، ۲۰) به «أَنْ تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا»، در قرائت ابن مسعود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۱۳)، تبدیل «فوم» در آیه «يَا مُوسَى... مِنْ بَقْلِهَا وَ قَتَائِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا» (بقره، ۶۱) به ثوم (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۷۹) و تبدیل کلمه «خمر» در آیه «أَعَصِرْ خَمْرًا» (یوسف، ۳۶) به «عنب» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۳۲) از جمله نمونه‌های تغییر کلمه می‌باشد.

۳-۴-۱-۵-۳. تغییر ضمیر

تبدیل ضمیر «هم» به «هن» در قرائت ابن مسعود در آیه «ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ... إِنَّ كُنتُمْ صَادِقِينَ» (بقره، ۳۱) (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۳۱)، تبدیل فعل «تعبدون» به «تعبدوا» در آیه «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ» (بقره، ۸۳) در قرائت ابن مسعود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۰۹)، تبدیل ضمیر «منها» در آیه «وَمِنْهَا جَائِزٌ» (نحل، ۹) به «منکم» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۴۸۱)، تبدیل «اللّاتی» در آیه «وَ خَالَاتِکَ اللَّاتِی هَاجَزْنَ مَعَکَ» (احزاب، ۵۰) به «اللّاتی» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۳۹۲) و تبدیل «هو» در آیه «وَقَالُوا أَلِیهُنَا خَیْرٌ أَمْ هُوَ» (زخرف، ۵۸) به «هذا» (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۱۶) مثال‌هایی بر این مدعاست.

۴-۴-۱-۵-۴. افزودن عبارت یا واژه‌ای به آیه

افزودن عبارت «یوم القیامة» به آیه «الَّذِینَ یُكَلِّمُونَ الرَّبَّ لَا یَقُولُونَ إِلَّا کَمَا یَقُولُ الَّذِی یتَحَبَّطُ الشَّیْطَانُ مِنَ الْمَیْسِ» (بقره، ۲۷۵) در قرائت ابن مسعود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۴۶)، تبدیل شدن آیه «و ما یعلم تأویله إلا الله» (آل عمران، ۷)، به «إن تأویله إلا عند الله الراسخون فی العلم یقولون آمنا به» در قرائت ابن مسعود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۸)،

افزودن عبارت «ومن الذین اشرکوا» به آیه «لا تَتَّخِذُوا الذِّیْنَ اَتَّخَذُوا دِیْنَكُمْ هُزُوراً وَكِبَاحاً مِنْ الذِّیْنَ اُوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (مانده، ۵۷) در قرائت وی (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۲۸)، افزودن «من نفسی» به آیه «اَکَادُ اُخْفِیْهَا» (طه، ۱۵) در قرائت ابن مسعود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۴۵) و افزودن ضمیر به آیه «فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ» (مانده، ۹۵) در قرائت ابن مسعود (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۷۳) از مثال‌های بارز این نمونه است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی در مقاله گفته شد معلوم می‌گردد که:

۱. پیش‌فرض‌های فکری ابن مسعود در تفسیر روایی ایشان عبارتند از: اعتقاد به جهانی بودن آیات، توجه به حجیت الفاظ و عبارات قرآن کریم، حجیت استقلالی قرآن در تفسیر آیات، فهم‌پذیری آیات، حجیت قول و بیان پیامبر در تفسیر، جاودانگی قرآن کریم، حجیت قول ظواهر آیات قرآن و قابل فهم بودن آن با استفاده از عقل.
۲. بهره‌گیری از حجیت عقل به‌عنوان مبنایی اساسی در تبیین قضایای عقلی و بیان بدیهیات آن باعث رویکردی عقلی در روایات تفسیری رسیده از او گشته است. ابن مسعود، همچون فقهی مجتهد از عقل به مثابه یکی از منابع فقهی در جهت استنباط و اجتهاد در آیات الاحکام مدد جسته است و گاهی نیز به صدور فتوای فقهی برای پیروان خود دست زده است، تفسیر قرآن به قرآن به‌عنوان اصلی‌ترین روش تفسیری صحابه به‌عنوان شاگردان مکتب تفسیری پیامبر از صحابه خوشنامی همچون وی بسیار در روایات تفسیری‌اش تبلور یافته است. تبیین معنا و مفهوم آیات در سایه «یفسر بعضه بعضا»، تعیین مصادیق آیات و حتی توضیح معنای عبارتی از آیات از کاربرد اساسی این روش از ابن مسعود برجای مانده است. روش تفسیر در سایه سنت پیامبر اعم از قول، فعل و بیان نبوی به‌عنوان اصلی‌ترین معلم و منبع در دسترس صحابه در خوشه‌چینی از تفسیر آیات و تبیین آنها از سوی وی کارکردهای بسیاری از جمله در روزمره‌سازی آیات که تبیین، تطبیق و مصادق‌سازی آیات از بارزترین مثال‌های آن می‌باشد، موجب گردیده

است که سنت نبوی پیامبر را به‌عنوان جزء لاینفک روایات تفسیری ایشان به‌شمار آورد و از او محدثی مستندساز براساس سلسله راویان یاد کرد.

۳. تخصص‌های بلاغی، نحوی، ادبی و نمودهای برخاسته از آن از سوی ابن مسعود وی را به‌عنوان یکی از چهره‌های شاخص قبیله نام‌آور هذیل در فصاحت، در تبیین زوایای ادبی آیات همچون تمثیل، کنایه، تغلیب، اختلاف قرائت، تعیین ضمیر بارز و ... نشان از رویکرد روش ادبی او دارد. آن‌گونه که این وجه از تخصص وی به‌خصوص در حوزه قرائات سبب توجه مفسران در بحث تأثیر قرائات بر تفسیر از سوی آنها گشته است.

۴. به‌طور کلی روایات رسیده از وی در این تفسیر مجموعه‌ای است از جمع روش‌های تفسیری اعم از روش قرآن به قرآن، روش تفسیر ادبی، روش عقلی و فقهی، روش تفسیر روایی و مآثور با نوعی از انتخاب‌های وی در تفسیر آیات است که به بیانگر نوعی روش جامع اجتهادی از سوی ابن مسعود است که نگاه ظریفانه وی در استفاده از هر کدام از این روش‌ها در تفسیر آیات رسیده از وی مبرهن است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابونعیم، احمد بن عبدالله. (۱۴۲۷ق). حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء (ج ۱). بیروت: دارالکتاب العربی.
۲. ابن اسحاق، محمد. (۱۹۷۸م). سیره ابن اسحاق (السير و المغازی). بیروت: دار الفکر.
۳. ابن حزم، علی بن احمد. (بی تا). الاحکام فی اصول الاحکام (ج ۲). قاهره: زکریا علی یوسف.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۹۱). مقدمه ابن خلدون (مترجم: محمد پروین گنابادی). تهران: شرکت انتشارات علمی.
۵. ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری (ج ۲). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۶. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. (۱۴۱۲ق). الاستیعاب فی معرفة الاصحاب (ج ۳). بیروت: دار الجیل.
۷. ابن هشام، عبدالملک. (۱۹۵۵م). السیره النبویه (ج ۱). قاهره: بی نا.
۸. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) (ج ۱، ۲، ۴، ۵، ۶ و ۷). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. الارناؤوط، محمود. (۱۴۲۱ق). ابن کثیر و کتابه التفسیر. نشریه التراث العربی، ۷۹، صص ۱۵۰-۱۵۶.
۱۰. یاززی، محمدعلی. (۱۳۸۰). قرآن و فرهنگ زمانه. رشت: کتاب مبین.
۱۱. ایزدی مبارکه، کامران. (۱۳۷۶). شروط و آداب تفسیر و مفسر. تهران: امیرکبیر.
۱۲. ایماندار، حمید؛ ملازاده، رضا. (۱۳۹۷). سلفی گری در رویکرد کلامی ابن کثیر دمشقی با محوریت واکاوی وی در امور ماورائی. معرفت، ۲۷(۲۴۴)، صص ۸۱-۹۲.
۱۳. بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۱). مکاتب تفسیری (ج ۲). تهران: سمت.
۱۴. بحیرایی، نسرین. (۱۳۸۸). منابع علوم و تفسیر قرآن تا پایان قرن پنجم هجری قمری. تهران: فرهنگ سبز.

۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۱۷ق). الانساب الاشراف (ج ۱)، محققان: سهیل زکار و ریاض الزرکلی. بیروت: دارالفکر.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۳). تفسیر تسنیم (ج ۱). قم: اسراء.
۱۷. حاکم نیشابوری، محمد. (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین (ج ۳). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. حمد، غانم قدوری. (۱۳۷۶). ترجمه رسم الخط مصحف. قم: اسوه.
۱۹. خانی، حامد. (۱۳۹۳). اندیشه اخلاقی ابن مسعود. مجله پژوهش‌نامه اخلاق، ۴(۲۴)، صص ۱۲۵-۱۴۲.
۲۰. خوئی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵). البیان فی تفسیر القرآن (مترجم: محمد صادق نجمی). تبریز: انتشارات دانشگاه.
۲۱. ذهبی، محمد السید حسین. (بی تا). التفسیر والمفسرون (ج ۱). القاهرة: مكتبة وهبة.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم.
۲۳. رستمی، علی اکبر. (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان علیهم‌السلام. تهران: کتاب مبین.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۲). درسنامه مبانی و قواعد تفسیر. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۳). منطق تفسیر قرآن (۴). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۶. الزرقانی المالکی، ابوعبدالله محمد بن عبدالباقی. (۱۹۹۶م). شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۷. سجستانی، ابن ابی داود. (۱۳۵۵ق). سنن ابی داود. بیروت: المكتبة العصرية.
۲۸. شاه‌پسند، الهه. (۱۳۹۷). رویکرد ادبی - معنایی به قرائات خلاف رسم مصحف در متون قرن سوم مطالعه موردی قرائت ابن مسعود در معانی القرآن فراء. مجله مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی، ۲(۷)، صص ۲۱-۳۹.

۲۹. شاهین، عبدالصبور. (۲۰۰۷م). تاریخ القرآن. مصر: نهضة مصر.
۳۰. شهیدی صالحی، عبدالحسین. (۱۳۸۱). تفسیر و تفاسیر شیعه. قزوین: حدیث امروز.
۳۱. الصالح، صبحی. (۲۰۰۰م). مباحث فی علوم القرآن. بیروت: دار العلم للملایین.
۳۲. صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات. قم: مکتبه آیه الله المرعشی رحمته.
۳۳. طاهری، حبیب الله. (۱۳۷۷). درس هایی از علوم قرآنی (ج ۲). قم: اسوه.
۳۴. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۵. علوی مهر، حسین. (۱۳۸۱). روش ها و گرایش های تفسیری. قم: اسوه.
۳۶. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین (ج ۶). قم: هجرت.
۳۷. القشیری النیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۳۲۹ق). صحیح مسلم (ج ۴). استامبول: دارالطباعه.
۳۸. مروتی، سهراب. (۱۳۸۱). پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن کریم (سده نخست هجری). تهران: رمز.
۳۹. معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۹). تفسیر و مفسران. قم: موسسه فرهنگی التمهید.
۴۰. ملکیان، محمد باقر. (۱۳۸۱). علوم قرآن در تفسیر المیزان و آثار علامه طباطبایی. تهران: اسوه.
۴۱. مهدوی راد، محمد علی. (۱۳۸۲). آفاق تفسیر. تهران: هستی نما.
۴۲. مؤدب، رضا. (۱۳۸۶). مبانی تفسیر قرآن. قم: دانشگاه قم.
۴۳. نجفی، روح اله. (۱۳۹۵). کارکرد قرائت عبدالله ابن مسعود در تبیین آیات الاحکام. مجله علوم قرآن و حدیث، ۴۸(۹۶)، صص ۱۳۹-۱۶۱.
۴۴. نفیسی، شادی. (۱۳۹۲). تفسیر علمی. دانشنامه جهان اسلام.

References

* The Holy Qur'an

1. Abu Naim, A. (1427 AH). *Heliya al-Awlia va Tabaqat al-Asfia* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
2. Al-Arnaut, M. (1421 AH). Ibn Kathir va Kitabuhu al-Tafsir. *Al-Torath Al-Arabi*, 79, pp. 150-156. [In Arabic]
3. Alavi Mehr, H. (1381 AP). *Interpretive methods and tendencies*. Qom: Osweh. [In Persian]
4. Al-Qashiri Al-Neishaburi, M. (1329 AH). *Sahih Muslim* (Vol. 4). Istanbul: Darul Taba'ah. [In Arabic]
5. Al-Saleh, S. (2000). *Mabahith fi Olum al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een. [In Persian]
6. Al-Zarqani al-Maleki, A. (1996). *Sharh al-Zarqani ala al-Mawahib al-Diniya be al-Manh al-Muhammadiyah* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
7. Ayazi, M. A. (1380 AP). *Qur'an and contemporary culture*. Rasht: Mobin Book. [In Persian]
8. Babaei, A. A. (1381 AP). *Interpretive schools* (Vol. 2). Tehran: Samt. [In Persian]
9. Bahirai, N. (1388 AP). *Sources of science and interpretation of the Qur'an until the end of the fifth century AH*. Tehran: Farhang Sabz. [In Persian]
10. Belazari, A. (1417 AH). *Al-Ansab al-Ashraf* (Vol. 11, S, Zakkar., & r, Al-Zarkali, Ed.). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
11. Farahidi, Kh. (1410 AH). *Kitab Al-Ain* (Vol. 6). Qom: Hejrat. [In Arabic]
12. Hakim Neishaburi, M. (1411 AH). *Al-Mustadrak ala Al-Sahihayn* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Kitab al-Ilmiya. [In Arabic]
13. Hamad, Q. Q. (1376 AP). *Translation of Mushaf script*. Qom: Osweh. [In Persian]

14. Ibn Abdul Bir, Y. (1412 AH). *Al-Istiyab fi Marafah al-Ashab* (Vol. 3). Beirut: Dar Al-Jail. [In Arabic]
15. Ibn Hazm, A. (n.d.). *Al-Ahkam fi Usul Al-Ahkam* (Vol. 2). Cairo: Zakaria Ali Yusuf.
16. Ibn Husham, A. (1955). *Al-Sirah Al-Nabawiya* (Vol. 1). Cairo.
17. Ibn Ishaq, M. (1978). *Biography of Ibn Ishaq (Al-Seir va Al-Maghazi)*. Beirut: Dar al-Fikr.
18. Ibn Kathir Damesghi, E. (1419 AH). *Tafsir al-Qur'an al-Azeem (Ibn Kathir)* (Vol. 1, 2, 4, 5, 6 & 7). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya. [In Arabic]
19. Ibn Khaldoun, A. (1391 AP). *Introduction of Ibn Khaldoun* (M. P. Ghonabadi, Trans.). Tehran: Scientific Publishing Company. [In Persian]
20. Ibn Saad, M. (1410 AH). *Tabaqat al-Kubra* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya. [In Arabic]
21. Imandar, H., & Molazadeh, R. (1397 AP). Salafism in the theological approach of Ibn Kathir of Damascus, focusing on his analysis of transcendental affairs. *Ma'arefet*, 27(244), pp. 81-92. [In Persian]
22. Izadi Mobarakeh, K. (1376 AP). *Terms and customs of interpretation and commentator*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
23. Javadi Amoli, A. (1383 AP). *Tafsir Tasnim* (Vol. 1). Qom: Israa. [In Persian]
24. Khani, H. (1393 AP). Ethical thought of Ibn Masoud. *Research Journal of Ethics*, 4(24), pp. 125-142. [In Persian]
25. Khoei, A. (1375 AP). *Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (M. S. Najmi, Trans.). Tabriz: University Press. [In Persian]
26. Mahdavidrad, M. A. (1382 AP). *Afaq Tafsir*. Tehran: Hasti Nama. [In Persian]
27. Malekian, M. B. (1388 AP). *Qur'anic sciences in Tafsir al-Mizan and the works of Allameh Tabatabaei*. Tehran: Osweh. [In Persian]
28. Marefet, M. H. (1379 AP). *Interpretation and Interpreters*. Qom: al-Tamhid Cultural Institute. [In Persian]

29. Moadeb, R. (1386 AP). *Basics of interpretation of the Qur'an*. Qom: Qom University. [In Persian]
30. Morowati, S. (1381 AP). *A study on the history of interpretation of the Holy Quran (first century of Hijri)*. Tehran: Ramz. [In Persian]
31. Nafisi, Sh. (1392 AP). *Scientific interpretation*. Encyclopedia of Islamic World. [In Persian]
32. Najafi, R. (1395 AP). The function of Abdullah Ibn Masoud's recitation in explaining the verses of Al-Ahkam. *Journal of Quranic and Hadith Sciences*, 48(96), pp. 139-161. [In Persian]
33. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Ilm. [In Arabic]
34. Rezaei Esfahani, M. A. (1392 AP). *Textbook of the basics and rules of interpretation*. Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [In Persian]
35. Rezaei Esfahani, M. A. (1393 AP). *The logic of interpretation of the Qur'an* (4). Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [In Persian]
36. Rostami, A. A. (1380 AP). *Pathology and methodology of interpretation of Masooman*. Tehran: Kitab Mobin. [In Persian]
37. Safar, Muhammad bin Hassan. (1404 AH). *Basaer al-Deraj*. Qom: Ayatollah al-Marashi's library. [In Arabic]
38. Sajestani, I. (1355 AH). *The traditions of Abi Dawood*. Beirut: Al-Maktaba al-Asriya. [In Arabic]
39. Shahidi Salehi, A. (1381 AP). *Tafsir and interpretations of Shia*. Qazvin: Hadithe Emrooz. [In Persian]
40. Shahin, A. (2007). *History of the Qur'an*. Egypt: Nihzah Misr.
41. Shahpasand, E. (1397 AP). Literary-semantic approach to readings against the custom of Mushaf in texts of the third century, a case study of Ibn Mas'ud's readings in the meanings of Al-Quran Fara. *Journal of Qur'an and Islamic Culture Studies*, 2(7), pp. 21-39. [In Persian]

42. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Mu'asisah al-A'alami le al-Matbu'at. [In Arabic]
43. Taheri, H. (1377 AP). *Lessons from Quranic sciences* (Vol.2). Qom: Osweh. [In Persian]
44. Zahabi, M. (n.d.). *Al-Tafsir va al-Mufasiroun* (Vol. 1). Cairo: Maktaba Wahaba.

